

# حجاب بی حجاب

محمد رضا زائری



bookroom.ir

## فهرست مطالب

- ۷ پیشگفتار
- ۱۳ در مسئلهٔ  $۲ \times ۲ = ۴$  حجاب هم
- ۲۱ NO PAIN, NO GAIN...
- ۲۷ [...]
- ۳۵ اگر رضاخان توانست ما هم می‌توانیم!
- ۵۳ یک حجاب و چند نقطه
- ۵۹ جشن حجاب
- ۶۵ حجاب، یک انتخاب است!
- ۷۵ حجاب زن، تکریم زن است.
- ۸۲ پیوست‌ها
- ۸۵ پیوست ۱: مصاحبه با روزنامهٔ خراسان  
پیوست ۲: حجاب اسلامی به مد روز (گزارشی از «دار ربی»  
مؤسسهٔ طراحی و تولید حجاب اسلامی برای دختران نوجوان در  
بیروت)
- ۹۱
- ۹۹ تصاویر

## پیشگفتار

مسئله حجاب یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که به طور طبیعی ذهن و زبان نویسندگان و پژوهشگران مسلمان را به خود مشغول می‌کند. این اهمیت تنها از حکم شرعی حجاب ناشی نمی‌شود. چرا که از این نظر، حجاب هم یکی از احکام است مانند خمس و زکات و نماز و روزه، لیکن بروز اجتماعی و عینی حجاب از یک سو و ارتباط آن با بسیاری از مسائل دیگر چون روابط اجتماعی و خانوادگی باعث می‌شود جایگاه خاصی در میان احکام شرعی داشته باشد.

از طرف دیگر گاه مسئله حجاب دارای حیثیت سیاسی نیز می‌شود و برحسب شرایط اجتماعی و سیاسی مختلف از منع حجاب توسط برخی حکومت‌ها گرفته تا اجبار حجاب توسط برخی دیگر، شرایط و موضعگیری‌های مختلف و متفاوتی را به دنبال دارد که گاه تا سطح پرونده‌های سیاسی بین‌المللی - همچون شرایط به وجود آمده در فرانسه و ترکیه - توسعه پیدا می‌کند. شاید مهم‌ترین بُعد موضوع که باعث می‌شود حساسیت و ظرافت بیشتری داشته باشد بُعد فرهنگی آن است. حجاب یک التزام فردی و شخصی نیست که بتوان مثل نماز در خلوت و خفا خواند و یا مثل روزه بی‌نشان و پنهان بدان پرداخت؛ بلکه انتخابی علنی و جدی و آشکار

است که معنا و مفهومی گسترده دارد و آثار و تبعات گسترده‌ای نیز بر آن مترتب می‌شود. حساسیت و اهمیت حجاب از جهات مختلف، اقتضا می‌کند که با نگاهی جامع بدان پرداخته شود و چه در مقام پژوهش و چه در مقام آسیب‌شناسی و سیاست‌گذاری برای ترویج و تبلیغ از زاویه حیثیت اجتماعی و فرهنگی خاص آن مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

بانوانی که در خارج از ایران - مشخصاً محیط‌های آزاد که بعضاً با منع حجاب روبه‌رو هستند - حجاب را به عنوان یک شیوه زندگی انتخاب می‌کنند کاملاً آگاهانه به این انتخاب رو می‌آورند و کسانی هم که در داخل ایران تربیت شده خانواده‌ها و محیط‌های خاص مذهبی هستند به طور طبیعی و معمولاً با نوعی تربیت خاص مذهبی و در درون محیطی خاص رشد می‌کنند که تا حد زیادی باورهای دینی و فکری آنها را تأمین و تقویت می‌کند. لیکن مخاطب عام و کلان که به صورت گسترده در داخل کشور از این دو فرصت بهره‌مند نیست و در مقابل سیل بنیان‌کن تبلیغات غربی و فضای اجتماعی ضدحجاب قرار می‌گیرد، برای حفظ باور و پذیرش آگاهانه این انتخاب نیاز به پرورش و تربیت فرهنگی و تبلیغی دارد.

بعد از انقلاب اسلامی در ایران فضای خاص و استثنایی آن زمان موقعیتی داشت که الزام عمومی به حجاب را پذیرفت - و در سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این موضوع اشاره شده است - و شاید امام خمینی به این مسأله توجه داشت که اگر آن زمان این تصمیم اتخاذ نشود بعدها هرگز فرصتی نخواهد بود و با آگاهی از این حقیقت به این تصمیم مبادرت کرد. لیکن کاری که دیگران در سطوح مختلف مسئولیتهای فرهنگی و دینی و تبلیغاتی و آموزشی باید پس از آن می‌کردند مغفول ماند و به درستی بدان اهتمام نشد.

صورت ظاهری جامعه که رعایت حجاب بود توهم قناعت تام و کامل در مخاطبان را برای مسئولان ایجاد می‌کرد و اشتغالات جنگ و مشکلات اقتصادی و درگیری‌های سیاسی هم مجالی باقی نمی‌گذاشت که نشانه‌های پراکنده موجود را ببینند یا به هشدارهای کارشناسان بیدار و آگاه در گوشه و کنار توجه کنند.

همه سرمایه فکری و پشتوانه نظری موضوع حجاب در طول سال‌ها کتاب «مسأله حجاب»

شهیدمطهری بود و کسی بدین نیاندیشید که اولاً چنین موضوعاتی نیاز به تازه‌سازی و نوآوری مستمر و مداوم و تولید مجدد در قالب‌های گوناگون دارند و ثانیاً آنچه شهیدمطهری را از دیگران متمایز می‌کرد تنها توش و توان فکری و علمی او نبود، بلکه شجاعت و جسارت مخلصانه‌ای بود که از واقع‌بینی او ناشی می‌شد.

اهمیت و ارزش کار بزرگ استاد علامه شهیدمطهری نه تألیف کتاب «مسأله حجاب» بل این بود که او برای تأمین هدف الهی خود حاضر بود با مجله «زن روز» مکاتبه کند و برای این مجله مقاله بنویسد - و کسی اگر حتی از ظرایف موضوع مطلع نباشد می‌تواند تصور کند که حتی نام چنین مجله‌ای در زمان طاغوت برای یک شخص مجتهد و روحانی و عالم دینی حوزوی چه حساسیت و معنایی داشته است - و این چیزی است که بعد از انقلاب رخ نداد و ادامه پیدا نکرد. به دلایل مختلف آنچه در طول سالها رخ داد - جز اندک تلاش‌های بی‌اثر - تجاهل و تغافل بود و ناگهان در دهه گذشته همه با نسلی از دختران جوان مواجه شدند که گرچه به ظاهر در مهدکودک و دبستان و دبیرستان جمهوری اسلامی رشد کرده بودند، اما در واقع از آبخور فکری فیلم‌های سینمایی غربی سیراب می‌شدند و در فضای اجتماعی متفاوتی زندگی می‌کردند که از موضوع حجاب تنها تعارفات و گفتگوهای رسمی و شعاری شنیده بودند.

در چنین فضایی این نسل با ترویج مستقیم حجاب و تحمیل آن - بدون بهره‌گیری از روش‌های تبلیغی صحیح و بدون توجه به آسیب‌های ترویج مستقیم و رسمی و دولتی حجاب - روبه‌رو بود و از آنجا که «کل ممنوع مرغوب فیه» و «الإنسان حریص علی ما منع» یعنی انسان بدانچه منع شود رغبت بیشتر می‌یابد، به طور عادی و ناخواسته بخشی از این نسل از آنچه به این شکل مستقیم تحمیل می‌شد روی می‌گرداند و به آنچه ممنوع بود رغبت می‌یافت و متأسفانه این نکته اساسی و بسیار مهم تقریباً هرگز در تبلیغات دینی و رسانه‌های عمومی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مورد توجه قرار نگرفت.

این نسل نیاز به گفتگوی صریح و روشن از حجاب داشت؛ با همان جرأت و جسارتی که در شهیدمطهری بود و از کسانی با همان پایه و مایه علمی و فکری و ایمانی تا به میدان بیایند و به

جای تعارف و ملاحظه، بدون پرده‌پوشی مسائل را مطرح کنند و در واقع «بی‌حجاب از حجاب» بگویند. متأسفانه این خلأ هرگز پر نشد. اضافه بر این جریان حاکمیت دین که حجاب را ترویج می‌کرد دیگر یک نهاد مذهبی در حد مسجد محله نبود که بتواند خود را از همه اتفاقات و مسائل اجتماعی برکنار بداند؛ بلکه همه رویدادها و واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی در این نقطه با هم تلاقی می‌کرد و بر موضوع حجاب تأثیر می‌گذاشت.

همه اینها اما تکلیف فردی و مسئولیت اجتماعی افراد را ساقط نمی‌کند و حال که کسی در اندازه شهیدمطهری نیست یا نهادهای مسئول به وظیفه خود عمل نمی‌کنند، نمی‌توان نشست و تنها تأسف خورد. از همین رو از سال‌ها پیش در حد توان خود به این موضوع - چه در مقالات مطبوعاتی و چه در سخنرانی‌های مذهبی - به شکل جدی پرداخته‌ام و گاه به دلیل صراحت، هزینه‌های سنگینی نیز پرداخت کرده‌ام.

یکی از این تجربه‌ها، مجموعه گفتگوهای دینی با جوانان بود که در «فرهنگسرای هنر (ارسباران)» تهران برگزار می‌شد و در خلال آن به بحث درباره حجاب پرداخته بودیم و همزمان با این گفتگوها، نشست‌هایی در برخی مدارس دخترانه و بعضی مجالس عمومی تهران و شهرهای دیگر به این موضوع اختصاص یافته بود و گمان می‌کردم خوب است حاصل آن دیدارها و گفتگوها که با نگاهی واقع‌بینانه و عینی به شرایط اجتماعی و فرهنگی پرداخته و با زبانی صریح و «بی‌حجاب» از حجاب سخن می‌گفت برای زنان و دختران جوان در کتابی منتشر شود. لیکن به دلایلی گردآوری و بازنویسی آن مطالب ممکن نشد و نمی‌دانم آیا عمر و مجالی برای آن خواهد بود یا نه. به جای آن مجموعه‌ای از مقالات و یادداشت‌های مربوط به بحث حجاب در این مجموعه گرد آمده است که شاید در این موضوع به اندازه روشن کردن یک چوب کبریت روشنی داشته باشد.

نمی‌دانم شما از کسانی هستید که معتقدند در مقابل سیل و طوفان، بازکردن یک چتر فایده‌ای ندارد و تاریکی یک صحرا شب را با یک چوب کبریت نمی‌توان درمان کرد یا گمان می‌کنید با گشودن همین چترها و روشن کردن همین چوب‌های کبریت کوچک است که زنده بودن ما معنا

پیدا می‌کند.

اگر مانند ما و دوستانمان از گروه دوم باشید ممکن است در این صفحات بهانه‌ای برای اهتمام بیشتر به این موضوع بیابید و نقطه‌ای کوچک به خط طولانی تلاش و جدیت خود برای جهاد فرهنگی آگاهانه و عالمانه بیافزایید. اگر چنین است با گشودن این کتاب دو حق بزرگ بر گردن شما خواهیم داشت، یک دعای خیر برای بارداشتن و بهره‌رساندن و دوم تذکر و راهنمایی و انتقاد.

این کتاب اکنون بیش از آنکه بانوان را مخاطب قرار دهد با فعالان فرهنگی سخن می‌گوید و می‌کوشد فضایی برای بررسی جدی‌تر موضوع فراهم سازد. بدان امید که هر یک از ما به سهم خود بتوانیم برای فهم درست و درک صحیح از واقعیت‌های اجتماعی و حقایق دینی و بر اساس آن جهاد مخلصانه و بی‌دریغ در راه اعتلای حق و خدمت به بندگان خدا گام برداریم.